مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها در کاهش بلایای طبیعی*
(تجاربی از بنگلادش)

نیلوفر متین
ترجمه و تلخیص: دکتر حبیب آقابخشی**

طی دو دهۀ اخیر نقش بخش غیردولتی در مداخله برای کاهش بلایای طبیعی سخت در کانون توجه قرار گرفته است. در این میان بخش خصوصی، بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری نیز علی‌رغم گرایش سودطلبانه، کارکردهای مثبت و مؤثری در حوادث غیرمترقبه داشته‌اند. این کارکردها هم به‌لحاظ مشارکت بخش خصوصی در آمادگی برای تخفیف آثار و پیامدهای فاجعه (به‌عنوان برنامه‌هایی بشردوستانه) مورد نظر بوده است و هم از این منظر که می‌تواند برای ارتقای فعالیت این بخش در حوزه‌هایی که به انتفاع مالی و اقتصادی ختم می‌شود، بستری مناسب به شمار آید. مقالۀ حاضر بخشی از یک پروژۀ گسترده در این زمینه است که تجارب کشور بنگلادش را در این زمینه نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: بلایای طبیعی، بنگلادش، مسئولیت اجتماعی

مقدمه

بنگلادش در کنارآمدن با فاجعه‌های طبیعی، چه از نظر فردی و چه از جنبۀ تلاش‌های دسته‌جمعی، دارای سوابق سنتی دیرینی است. آیین سنت این مرز و بوم حکایت از

---

* Source: Matin, Nilufar. (2000). **Corporate Social Responsibility and Natural Disaster Reduction: Insights from Bangladesh**. http://www.bghrc.com

** جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تاریخی دارد که وجود مسئولیت‌های اجتماعی گروهی در آن به فعالیت‌هایی جمعی اشاره دارد؛ به‌ویژه اشراف زمین‌دار و گروه‌های اجتماعی غیررسمی که طی سدهٔ گذشته تحت آموزه‌های جوانان متعهد به ایدئولوژی مارکسیستی، فعالیت می‌کردند. در نتیجه، فعالیت‌های انجام شده به طور قابل ملاحظه‌ای با مسئولیت اجتماعی بنگاهی* متفاوت بود، از این نظر که این فعالیت‌ها به گروه‌های تجاری و بازرگانی ربط نمی‌یافتند و فاقد منشوری بودند تا در قالب تشکیلات صنفی شناخته شوند.

از مفهوم مسئولیت اجتماعی بنگاهی، چنین استنباط می‌شود که فراسوی عملیات عادی تولید محصولات و خدمات خاص مقرون به صرفه بوده و از این حد فراتر می‌رود. این مفهوم نه تنها بر رابطهٔ بنگاه با مشتری، تولیدکننده و کارکنان، بلکه بر رابطهٔ آن با گروه‌های دیگر ناظر است. همچنین به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های جامعه‌ای که در آن عمل می‌کند، توجه نشان می‌دهد. رابطهٔ مذکور، به صور گوناگونی دسته‌بندی می‌شود:

- براساس هدف‌ها؛
- قلمروی فعالیت؛
- محتوای فعالیت بخش خصوصی؛
- درجهٔ مشارکت در فعالیت‌ها؛

همچنین ممکن است شامل فرمی گوناگون و وسیع، نظیر تأثیرات اجتماعی و محیطی، اخلاقیات تجاری، تجارت نمایشگاهی، معیارهای کاری و حقوق بشری باشد.

در این مطالعه، نمونه‌شناسی مسئولیت اجتماعی بنگاهی بر مشارکت بخش خصوصی در کاهش فاجعه‌های طبیعی متمرکز است که بررسی تاریخچهٔ مقدماتی حاکی از آن است که دربارهٔ ماهیت و حدود مشارکت بخش خصوصی برای تخفیف فاجعه‌ها، آگاهی اندکی در بنگلادش وجود دارد و شواهد ناچیزی در اختیار است.

* Corporate social responsibility

۱) هدف‌های پژوهش

هدف‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- شناخت و مستندسازی مشارکت بخش خصوصی نه از جنبهٔ مالی که به‌عنوان برنامه‌ای بشردوستانه و مسئولیتی اجتماعی، در آمادگی و تخفیف فاجعه؛
- ارزیابی ظرفیت برای ارتقای فعالیت بیش‌تر بخش خصوصی در این قلمرو، با توجه به گسترش طرح مقدماتی.

۲) روش‌شناسی

روش‌های استفاده شده در این پژوهش به این شرح است:

الف) ارتباط و بحث و گفت‌وگو با اعضای بخش خصوصی به منظور جمع‌آوری شواهد و اطلاعات از مشارکت این بخش، که متجاوز از پنجاه مورد، ارتباط و گفت‌وگو برقرار شد تا به ماهیت اصلی فعالیت‌ها در این قلمرو پی برده شود. این ارتباطات از طریق مکالمه‌های تلفنی، ملاقات‌های حضوری و ارسال نامه صورت گرفت.

ب) پس از غربال اولیه، مصاحبه‌هایی با افراد کلیدی آگاه که فعالیت‌هایی در خصوص تخفیف آلام فاجعه‌ها داشتند صورت گرفت که این مصاحبه‌ها تا حدودی نظام‌یافته بودند. شش مصاحبهٔ رودررو نیز با انجمن کارخانه‌داران و صادرکنندگان گارمت بنگلادش، شرکت سهامی دارویی اسکیور، اتحادیه کارکنان تی‌تاز گاز، فدراسیون اتاق بازرگانی و صنایع بنگلادش، انجمن محیط و بهداشت، شرکت سهامی بین‌المللی ساهکو و اتاق صنایع و بازرگانی سرمایه‌گذاران خارجی انجام شد.

ج) علاوه بر این، یک نظرسنجی کتبی برای ارزیابی پاسخ‌های تجاری به فاجعه نیز صورت گرفت. هرچند مطالعات جهانی اندکی دربارهٔ مسئولیت اجتماعی بنگاهی به دست آمد، اما هیچ مطالعه‌ای دربارهٔ بنگلادش وجود نداشت.

۳) محدودیت‌های روش‌شناسی

مشکلات روش‌شناسی قابل ذکری در این مطالعه وجود داشته است. دسترسی به افراد صاحب‌نظر برای مصاحبه، اغلب با اشکال مواجه می‌شد. به نظر می‌رسد این مسایل ناشی از دو عامل بوده است. نخست این‌که تجار اغلب گرفتار کار بودند، از این رو مصاحبهٔ دقیق با رده‌های بالا و مدیران بنگاه‌ها، به سادگی دست نمی‌داد و ملاقات‌های «از قبل تنظیم شده» اغلب به سبب اولویت‌های دیگری که برایشان پیش می‌آمد، لغو می‌شد. در بسیاری از موارد، مصاحبه با رده‌های پایین‌تر صورت می‌گرفت. این افراد با تمامی علاقه‌ای که برای پاسخ‌گویی نشان می‌دادند اغلب درکی کافی از عمل‌کردهای بخش تجارت در پاسخ به پرسش‌های تحقیق، نداشتند. و در نتیجه از بیان اظهارات قاطعانه و عقاید خود نیز چندان مطمئن نبودند. نکتهٔ دوم این‌که در بسیاری موارد تجار تصور می‌کردند که تحقیق با فعالیت‌های روزانهٔ آن‌ها فاصلهٔ زیادی دارد. اکثریت بر این بودند که فعالیت‌های امداد، به شکل یک‌باره و کوتاه‌مدت و بعد از فاجعه، برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشردوستانه کافی است. از این رو پرسش‌های مشروح پژوهش را به آینده‌ای دورتر مربوط می‌دانستندو ربطی بین آن‌ها با واقعیت‌های تجاری نمی‌دیدند؛ بنابراین آن‌ها را نادیده می‌گرفتند. بر این اساس، مطالعه از نظر تشریح واقعیت‌ها، دچار کمبود است.

۴) خطرهای طبیعی در بنگلادش

بنگلادش یکی از وسیع‌ترین دلتاهای جهان است؛ با سه رودخانهٔ بزرگ به نام‌های گنگز پادما، برهماپوترا ـ جامونا و مگ‌هنا که در آن جاری‌اند. این رودخانه‌ها ۱/۷ میلیون کیلومتر مربع را دربرمی‌گیرند که نود و سه درصد از این ناحیه، در خارج از بنگلادش، یعنی در هند، چین، نپال و بوتان قرار دارد. بارندگی این کشور معادل با ۲۳۰۰ تا ۵۰۰۰ میلی‌متر است.

خط ساحلی آن با خلیج بنگال، به ظاهر مخروطی شکل است و در نتیجه در ایام باران‌های موسمی بالاتر از سطح دریا قرار می‌گیرد. موقعیت بی‌همتای جغرافیایی بنگلادش

آن را از نظر حوادث طبیعی، نظیر فرسایش رودخانه، سیل و تندبادهای ساحلی آسیب‌پذیر ساخته است. اخیراً آلودگی آب‌های زمینی به آرسنیک، به بحران جدی مسمومیت در سطح ملی منجر شد. مهم‌ترین فاجعه‌های طبیعی بنگلادش عبارت‌اند از:

- سیل‌ها؛
- توفان‌های ساحلی؛
- فرسایش کناره‌های رودخانه‌ها؛
- مسمومیت آب‌های زمینی با آرسنیک.

۵) ویژگی‌های بخش بنگاهی

رشد بخش‌های صنعتی بنگلادش کند است. پس از فاجعهٔ سیل سال ۱۹۹۸ مطالعه‌ای به منظور شناخت ماهیت و میزان خسارت بر چهار بخش اقتصادی، صنعت، بازرگانی، ساختمان‌سازی و کشاورزی شهر داکا صورت گرفت. بخش صنعت، خود به چهار قسمت صنایع روستایی، صنایع کوچک، صنایع متوسط و صنایع بزرگ تقسیم شد. از مجموع خسارات، سهم برونداد خسارت‌ها (به‌صورت ارزش افزوده و آثار مرتبط) بسیار بیش‌تر بود (چیزی معادل با هشتاد و سه درصد مجموع خسارت‌ها) در مرتبهٔ بعدی، خسارت به انبار کالاها قرار می‌گرفت که نه درصد بود و سپس خسارت به ساختار و تجهیزات ماشینی که هشت درصد را شامل می‌شد.

از این چهار بخش، صنعت شهری، بخشی بود که بیش‌ترین خسارت را دیده بود و هشتاد و سه درصد مجموع خسارت‌ها را به خود اختصاص می‌داد. در بخش صنعت نیز، صنایع کوچک و متوسط نسبت به صنایع عظیم آسیب جدی‌تری خورده بودند.

۶) وضعیت تخفیف فاجعه

مشارکت بخش خصوصی در کاهش فاجعه، سوای سایر فعالیت افراد و رسم جاری کمک‌رسانی صورت نگرفت. در واقع در تمامی همکاری‌های بین بخشی و مشارکت‌های

جمعی نیز چنین بوده است. به باور سنتی در بنگلادش، چنین فرض می‌شود که معمولاً دولت در خدماتی که سود برگشتی ندارد، نقش اساسی را بر عهده می‌گیرد. طی دو دههٔ گذشته، سازمان‌های غیردولتی دوشادوش سایر افراد و گروه‌های فعال اجتماعی در بخش‌های رفاه اجتماعی، نقش اساسی ایفا کردند.

سازمان‌های غیردولتی از کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی برخوردار هستند و پاسخ به نیازهای فاجعه، از جملهٔ موضوعات درگیری در میان این سازمان‌ها است؛ برای آن‌که بتوانند در کنار انجمن‌های محلی به فعالیت بپردازند. مطالعات اخیر گویای این واقعیت است که سهم سازمان‌های غیردولتی در مقابله با فاجعه‌های طبیعی، بسیار چشم‌گیر است و به‌عنوان پایهٔ اساسی مشارکت‌های جمعی و محلی محسوب می‌شود.

۷) تجربهٔ فاجعه‌ها

تجربهٔ فاجعه‌های طبیعی، اغلب انگیزه‌های مهمی برای رویکردهای خلاق در تخفیف فاجعه فراهم می‌آورد. در مورد بنگلادش، فاجعه‌های عمده، نظیر سیل سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۸ و توفان ساحلی سال ۱۹۹۱ موجب شد تا بارقه‌های نوآوری در بخش دولتی و بخش‌های غیردولتی درخشیدن بگیرد.

تا دههٔ ۱۹۸۰ سیاست‌گذاری‌های کلان برای تخفیف فاجعه به تدقیقات اندازه‌گیری‌های فنی تکیه می‌کرد. این خط‌مشی‌ها بر ساخت موانع و سدهای انحرافی برای کنترل سیل‌ها و پیش‌گیری از فرسایش رودخانه‌ها تأکید داشت. علاوه بر این، هم نهادهای دولتی و هم انجمن‌های غیردولتی اغلب بر فعالیت‌های پس از فاجعه تمرکز داشتند و معمولاً بر رویکرد سخت‌افزاری نظیر تدارکات، پرکردن انبارها و تهیه تجهیزات و ماشین‌ها توجه می‌کردند. در حال حاضر تجربهٔ کنار آمدن با سیل‌ها و توفان‌ها، موجب فراگیری درس‌هایی از برنامه‌های کنترل سیل شده است. همچنین ایده‌هایی طی دههٔ کاهش فاجعه‌های طبیعی (یعنی ۱۹۹۰ـ۲۰۰۰) مطرح شده و رویکردهای تسکینی متداول را به نفع رویکرد مبتنی بر جامعه، تحت تأثیر قرار داده است.

اکنون اسناد سیاست‌گذاری دولتی و انجمن‌های غیردولتی گویای آن است که نیاز به برنامه‌های بلندمدت، نظیر فرصت‌های زندگی بهتر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوهٔ مردم به منظور کاهش آسیب‌پذیری در میان آن‌ها، فهمیده شده و جا افتاده است.

۸) ماهیت همکاری‌های بین‌بخشی

همکاری‌های بین‌بخشی به شکل عام و در مورد تخفیف فاجعه، به شکل خاص، در مورد بنگلادش که هنوز عملیات مستقل از طرف هر بخش، شکل رایج کمک‌رسانی است، به صورت یک مسئله باقی مانده است. اما در سال‌های اخیر همان‌گونه که در پروژه‌های فردی منعکس گردیده است، کوشش‌هایی برای ارتقای همکاری‌ها، بین دولت و انجمن‌های غیردولتی صورت گرفته است. با وجود این هنوز وضعیت همکاری بین دولت و بخش‌های خصوصی مطالعه نشده است.

علاوه بر این گاهی مطرح می‌شود در کشورهایی مانند فیلیپین، که رابطهٔ دولت و بخش‌های غیردولتی ضعیف است ابتکارات مبتنی بر راهبردهای تجاری، خنثی به نظر می‌رسد، اما آزادی بیش‌تری برای فعالیت وجود دارد. تجربهٔ بنگلادش، چنین مشاهداتی را تأیید نمی‌کند. رابطهٔ بین دولت و بخش‌های غیردولتی همیشه هماهنگ نبوده است و گاهی تنش‌های چشم‌گیری میان آن‌ها به نام «آزادی عمل» از طرف انجمن‌های غیردولتی و «اطمینان‌بخشی» از جانب دولت، بروز می‌کند. گاهی همکاری‌هایی بین بخش‌های خصوصی و دولتی مشاهده می‌شود اما این همکاری‌ها در نهایت به تبلیغات، تعهدات مالی، ایجاد صندوق‌ها،جمع‌آوری پول‌ها برای فعالیت‌های خاصی می‌شود.

مراسم سالیانهٔ «روز محیط» در تاریخ پنجم ژوئن نمونه‌ای از این فعالیت‌ها است. در روز محیط سال ۲۰۰۲ تعدادی از بخش‌های خصوصی بودجه‌هایی را تدارک دیدند و همکاری‌ها و حمایت‌های خود را با انتشار مطالب آموزشی، برپایی نمایشگاه محیط زیست و ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای آگاه‌سازی عموم، به نمایش گذاشتند.

۹) نتیجه

مطالعه نشان می‌دهد که در باب مسئولیت اجتماعی بنگاهی به طور اعم و برای تخفیف فاجعه به طور اخص، مدارک اندکی در بنگلادش وجود دارد. مدارک در دسترس نیز حاکی از آن است که مشارکت بخش غیردولتی از نظر ماهیت، نوع‌دوستانه، یک‌باره، کوتاه‌مدت و جسته و گریخته است.

گفتمان تخفیف فاجعه به‌عنوان یک فرایند مداوم، ادغام شده و بلندمدت باید همچنان در بین سیاست‌گذاران دولتی، انجمن‌های غیردولتی و سایر فعالان اجتماعی غیردولتی درگیر در فاجعه‌های طبیعی رواج داشته باشد. در این وضعیت که بخش تعاون برای کسب نرخ رشد حیاتی با چالش داخلی مواجه شده، بعید به نظر می‌رسد که برای مسئولیت اجتماعی بنگاهی در آینده‌ای نزدیک مشارکت گسترده‌ای شکل بگیرد. هرچند برای فعالیت‌هایی که بتواند منافع بخش تجاری و ملاحظه‌های اجتماعی و نیازها را ترکیب کند، ظرفیت بالقوه‌ای وجود دارد.

تجربه‌های اخیر در فاجعه‌های عمده بارها نشان داده است که وجود یک «مورد تجاری» برای مسئولیت اجتماعی بنگاهی لازم است، زیرا بازرگانان خود تحت تأثیر بروندادِ زیان‌ها قرار دارند؛ همچنان‌که شواهد نیز نشان می‌دهد در دوران فاجعه، نرخ رشد آن‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کند. برای نمونه، این کاهش را در سیل مصیبت‌بار اخیر بنگلادش می‌توان مشاهده کرد. قلمرو مهم دیگری نیز وجود دارد که باید در زمینهٔ همکاری‌های بین‌بخشی برای تخفیف فاجعه‌های غیرمترقبه ارتقاء یافته باشد: دولت می‌تواند معیارهایی برای هدایت بیش‌تر همکاری با بخش‌های غیردولتی ابداع کند؛ همچنین می‌تواند برای همکاری موثرتر با انجمن‌های غیردولتی و بخش‌های خصوصی، نقش فعالانه و بیش‌تری برای بخش‌های غیردولتی در اداره و مدیریت فاجعه‌ها در نظر بگیرد. بخش‌های خصوصی می‌توانند در کمیته‌های گوناگون مدیریت بحران و فاجعه‌های طبیعی در سطوح مختلف دارای جایگاه باشند. انگیزهٔ مهم دیگر می‌تواند اعلام این نکته باشد که اعانه‌دهندگان و سایر یاری‌رسانندگان برای تخفیف فاجعه، از مالیات بردرآمد معاف شوند. این موضوع می‌تواند انگیزه‌های همکاری را در مشارکت برای تخفیف فاجعه‌های طبیعی، افزایش دهد.
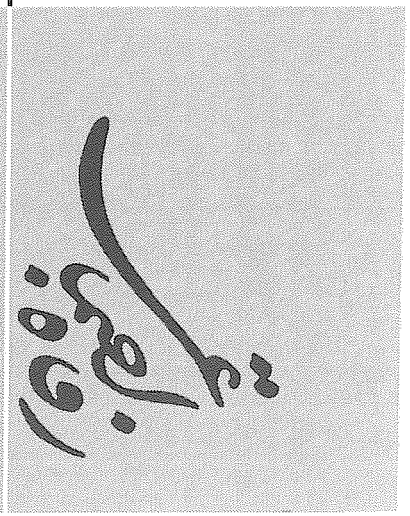
مباحث مشکلات اجتماعی